

دکتر غلامحسین کریمی دوستان (دانشیار گروه زبانشناسی دانشگاه کردستان)
رحمان ویسی (دانشجوی کارشناسی ارشد زبانشناسی)

حفظ یک ماده ساز باستانی در ساخت مجهول در زبان کردی

چکیده

در این مقاله نشان داده می شود که ماده مجهول ساز -ya- که در ساختهای مجهولی ساختوازی در زبانهای ایرانی باستان به ریشه فعل افزوده می شود و ماده مجهول تشکیل می دهد به صورتهای -yâ- و -ya- در گویشهای کردی سورانی، اردلانی، کلهری، ایلامی و هورامی - باقیمانده است و وجود ساختهای مجهولی ساختوازی کردی به سبک و سیاق مجهول در زبانهای ایرانی باستان می تواند هم در زبانشناسی تاریخی و تحوّل زبان و هم در کمک به روشن شدن ماهیت مجهول در سایر زبانهای ایرانی نو مانند فارسی مورد استفاده محققین قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: مجهول در زبانهای ایرانی، مجهول در کردی، مجهول ساختوازی، تحوّل مجهول از باستان تا نو.

۱. مقدمه

در زبان انگلیسی جمله (۱) یک جمله معلوم و جمله (۲) معادل مجهول آن محسوب می شود (ردفورد، ۲۰۰۴: ۲۹۶). همان طوری که در (۲) مشاهده می شود در این گونه زبانها، در جملات مجهول فعل اصلی به صورت صفت مفعولی و با یک فعل کمکی صرف می شود و فاعل معنایی (منطقی) با یک حرف اضافه ظاهر می گردد:

(۱)

The thieves stole the jewels.

جوهرات حرف تعریف دزدید دزدها حرف تعریف

«دزدها جوهرات را دزدیدند.»

(۲)

The jewels were stolen by the thieves
 دزدها حرف تعریف حرف اضافه دزدیده بودند جواهرات حرف تعریف
 «جواهرات توسط دزدها دزدیده شدند.»

علی رغم اینکه برخی از زبانشناسان (کریمی^۱، ۲۰۰۵) به ساخت مجهول از نوع آنچه در (۲) مشاهده کردیم در زبان فارسی اعتقاد ندارند، جباری (۱۳۸۲: ۹۱-۹۲) جمله (۴) را معادل مجهول جمله (۳) قلمداد می کند. شبیه به آنچه در (۲) داریم، در (۴) نیز فعل اصلی به صورت صفت مفعولی و همراه با فعل «شدن» به عنوان فعل کمکی آمده است:

(۳) بچه درخت را شکست.

(۴) درخت شکسته شد.

در همه گویشهای کردی رایج در ایران، فرآیند مجهول با آنچه در زبانهای بالا به عنوان مثال مشاهده نمودیم متفاوت است؛ مثلاً در گویش کردی رایج در سندج جملات (۵) و (۶) به ترتیب معادل معلوم جملات (۱) و (۳) هستند و گویشوران این گونه زبانی به ترتیب (۷) و (۸) را معادل مجهول (۵) و (۶) می دانند:

(۵) dez- ak- ân jawâherât- aka- yân dezi.

دزدید نشانه جمع - معرفه - جواهر نشانه جمع - معرفه - دزد

«دزدها جواهرات را دزدیدند.»

(۶) Menâl-aka dâra-ak-ê šekân.

شکست نشانه مفرد - معرفه - درخت معرفه - بچه

«بچه درخت را شکست.»

(۷) jawâherât - aka dez - yâ.

ماده مجهول ساز - ریشه فعل معرفه - جواهرات

«جواهرات دزدیده شد.»

(۸) dar - aka šek-yâ .

ماده مجهول ساز - ریشه فعل معرفه - درخت

«درخت شکسته شد.»

¹ . Karimi (2005)

برخلاف زبانهایی مانند انگلیسی و فارسی، در کردی برای مجهول نمودن یک جمله فعل اصلی به صورت صفت مفعولی به کار نمی‌رود و از افعال کمکی مانند «بودن» و «شدن» نیز استفاده نمی‌شود، بلکه برای مجهول کردن یک جمله به ریشه فعل ماده مجهول ساز -yâ- یا -ya- اضافه می‌شود و جمله مجهول می‌گردد (۷-۸). در این مقاله بعد از نگاهی گذرا به برخی از دیدگاهها در باب مجهول، به توصیف و بررسی ساخت مجهول در کردی می‌پردازیم.

۲. نظریاتی درباره مجهول

پدیده مجهول از دیر باز مورد توجه علاقه‌مندان به مسائل زبان بوده است. رواقیان برای فعل حالتی از نوع فعل متعدی معلوم، فعل متعدی مجهول و فعل خنثی وضع کردند که شیوه ترکیب شدن فعل با یک حالت اسمی خاص این افعال را به وجود می‌آورده است. نحو افعال معلوم و افعال مجهول در زبان عهد باستان با تفاوت‌های موجود میان حالات اسمی پیوند تنگاتنگی پیدا می‌کرده است. ترکیب فعل با اسمی در حالت غیر فاعلی یا در حالت ملکی به ترتیب، متعدی معلوم و متعدی مجهول را پدید می‌آورده است و در غیر این صورت فعل خنثی بوده است (روبینز، ۱۳۸۲: ۷۷). همچنین دست‌نویسان سنتی تمایز بین مجهول و معلوم را این‌گونه تعریف کرده‌اند که فعل متعدی را می‌توان به مفعول نسبت داد؛ مثلاً در جمله «سعید حمید را در خیابان دید» می‌توان فاعل را نگفت و فعل را به صورت «حمید در خیابان دیده شد» به مفعول یعنی به «حمید» نسبت داد. در این جمله (دیده شد) به مفعول نسبت داده شده یا به سخنی دیگر نهاد جمله مفعول است نه فاعل. فعل (دیده شد) را که به مفعول نسبت داده شده فعل مجهول گویند (انوری - گیوی، ۱۳۷۶: ۶۷).

مجهول یا مجهول سازی در مکتب نقش‌گرایی بر اساس توزیع اطلاع کهنه (theme) و اطلاع نو (rheme) توضیح داده می‌شود. در این نظریه جمله معمولاً به اطلاع کهنه و اطلاع نو تقسیم می‌شود. اطلاع کهنه به چیزی که شنونده از قبل می‌داند و اطلاع نو به واقعیتی تازه که در باره موضوع بیان می‌شود اطلاق می‌گردد.

اطلاع کهنه قبل از اطلاع نو می‌آید. برای مثال دو جمله زیر را در نظر بگیرید:

(۹)

John kissed the child.

«جان بچه را بوسید»

(۱۰)

The child was kissed.

«بچه بوسیده شد.»

در جمله (۹) ما درباره «جان» حرف می زنیم و می خواهیم بگوییم او سپس چه کاری انجام خواهد داد یا اینکه ما می دانیم جان کسی را بوسیده است و می خواهیم بدانیم او چه کسی بوده است. اما در جمله (۱۰) ممکن است شنونده بداند که بچه بوسیده شده است و ما می خواهیم بدانیم که چه کسی او را بوسیده است پس «جان» اطلاع نو و بچه اطلاع کهنه محسوب می گردد. به این ترتیب در مکتب نقشگرایی نظم اطلاعاتی و شیوه تغییر اطلاع کهنه و نو را بر اساس جمله معلوم و مجهول توضیح می دهند (سامسون، ۱۹۸۰: ۱۰۴). البته باید توجه داشت که هم در (۹) و هم در (۱۰) گروه فعلی به عنوان گزاره متعلق به آن بخش از جمله است که اطلاعات نو را در بر دارد و اطلاعات نو محسوب می شود. در نظریه حاکمیت و مرجع گزینی از فرایند مجهول حرکت و جابه جایی گروه های اسمی در جمله ناشی می شود و حالت دهی تاثیر زیادی بر حرکت اسمها دارد. هگمن (۱۹۹۲: ۱۷۳) موارد زیر را از ویژگیهای ساخت مجهول می داند:

(۱۱) الف) ساختار ساختوازی فعل تحت تاثیر قرار می گیرد؛

ب) موضوع^۱ بیرونی جذب عنصر مجهولی شده و حذف می گردد و به عنوان یک موضوع مستقیم عمل نمی کند؛

ج) اسمی که نقش تتای درونی فعل مجهول را دارد به جایی حرکت می کند که بتواند حالت بگیرد. در این نظریه حرکت مفعول به جایگاه فاعل این گونه توضیح داده می شود که فعل مجهول توانایی حالت دهی را از دست می دهد و گروه مفعولی برای گرفتن حالت به جایگاه دیگری می رود چون هر گروه اسمی برای اینکه در جمله ظاهر شود باید حالت بگیرد. البته در برنامه کمینه گرایی تغییراتی در این نظریه بوجود می آید؛ مثلا در مورد حالت دهی در جملات مجهول گروه اسمی نه برای گرفتن حالت که برای بازبینی حالت خود در جمله حرکت می کند (دبیرمقدم، ۱۳۸۳).

هاسپلماس (۲۰۰۲: ۲۱۳-۲۱۰) می کوشد نشان دهد که مجهول و مجهول سازی به فرایندی نحوی-ساختوازی گفته می شود که تغییرات خاصی را در سطح جمله به وجود می آورد. این تغییرات خود را به صورت حرکت عناصر جمله، تغییرات ساختوازی و حذف بعضی از عناصر نشان می دهند.

۳. مجهول در گویشهای کردی

همان‌طور که در بالا اشاره شد در زبانهایی مانند فارسی و انگلیسی تغییرات نحوی در مجهول سازی همراه با اضافه شدن یک فعل کمکی است. اما در گویشهای کردی فعل کمکی به فعل اصلی اضافه نمی‌شود و فقط با تغییرات ساختوازی فعل به حالت مجهولی در می‌آید. برای ترسیم حرکات نحوی و تغییرات ساختوازی در کردی به مثالهای پایین و تغییرات نحوی و ساختوازی آنها توجه کنید:

men gol-aka-m berd (۱۲-الف)

من اول مفرد - معرفه - گل برد

«من گل را بردم.»

gol-aka ber-yâ (۱۲-ب)

معرفه - گل ماده مجهول ساز - ریشه فعل

«گل برده شد.»

بر اساس اینکه در جمله (۱۲-ب) فعل به مفعول معنایی نسبت داده می‌شود (انوری و گیوی، ۱۳۷۶) و در مقایسه با (۱۲-الف) تغییر در ساختار اطلاعاتی قابل مشاهده است می‌توان گفت طبق نظر دستور نویسان سنتی و زبان شناسان نقش گرا جمله (۱۲-ب) را مجهول به حساب آورد. همچنین در (۱۲-ب) تغییر در ساختار ساختوازی، حذف موضوع بیرونی و تغییر نقش دستوری موضوع درونی وجود دارد (۱۱) و به تعبیر هاسپلماس (۲۰۰۲) هم از نظر ساختوازی و هم از نظر ساختار نحوی جمله (۱۲-ب) را می‌توان مجهول (۱۲-الف) قلمداد کرد. علی‌رغم وجود تفاوت در جملاتی مانند (۷)، (۸) و (۱۲-ب) با جملاتی مانند (۲) و (۴) و شباهت نسبی آنها با ساختهای میانه^۱ به دلایلی که ذکر گردید و برای تسهیل در ادامه بحث ما در این مقاله جملاتی مانند (۱۲-ب) کردی را ساخت مجهولی قلمداد می‌کنیم و در این قسمت به بررسی اینگونه ساختها در گویشهای کردی سورانی (مه‌بادی)، سنجی (اردلانی)، کلهری (کرمانشاهی)، ایلامی (فیلی) و هورامی (اورامی) می‌پردازیم. در شاهد و مثالهای زیر از گویشهای مورد نظر، جملات (۱۳-الف) تا (۱۷-الف) گذشته معلوم، جملات (۱۳-ب) تا (۱۷-ب) گذشته مجهول و جملات (۱۳-ج) تا (۱۷-ج) حال مجهول هستند. لازم به توضیح است که ماده مجهول ساز -yâ- در زمان حال و ماده مجهول ساز -yâ- در زمان گذشته به کار می‌رود و در واقع اولی ماده مجهول زمان حال و دومی ماده مجهول زمان گذشته می‌سازد. البته همان طوری که در (۱۶) نشان داده ایم در

گوش سورانى ماده مجهول ساز زمان حال به صورت -re- ماده مجهول زمان گذشته به صورت -râ- تلفظ می شود:

الف) سنندجی:

awân	sew-ak-	ân- yân	xwârd	(۱۳- الف)
آنها	سیب - معرفه -	نشانه جمع -	ضمیر فاعلی - خورد	
			« آنها سیبها را خوردند. »	
sew- ak- ân		xor- yâ- n		(۱۳- ب)
سیب	معرفه -	نشانه جمع -	مجهول ساز - ریشه فعل	
			« سیبها خورده شدند »	
sew- ak- ân		a- xor- ya- n		(۱۳- ج)
سیب	معرفه -	نشانه جمع -	مجهول ساز - ریشه فعل - پیشوند	

سیب

« سیبها خورده می شوند »

ب) کلهری:

awân	sef-ak- ân	xwârd-en	(۱۴- الف)
آنها	سیب - معرفه -	نشانه جمع -	شناسه جمع - خورد
			« آنها سیبها را خوردند. »
sef- ak- ân		xor- yâ- n	(۱۴- ب)
سیب	معرفه -	نشانه جمع -	مجهول ساز - ریشه فعل
			« سیبها خورده شدند. »
sef- ak- ân		xor- ya- n	(۱۴- ج)
سیب	معرفه -	نشانه جمع -	مجهول ساز - ریشه فعل
			« سیبها خورده می شوند »

ج) هورامی:

aniŠâ sâw-ak-â ward-e (۱۵-الف)

خوردند نشانه جمع - معرفه - سیب آنها

«آنها سیبها را خوردند»

sâw-ak-â wer-yâ-?e (۱۵-ب)

شناسه - مجهول ساز - ریشه فعل جمع - معرفه - سیب

«سیبها خورده شدند.»

sâw-ak-â wer- yâ (۱۵-ج)

مجهول ساز - ریشه فعل جمع - معرفه - سیب

«سیبها خورده می شوند»

د) سورانی:

awân sew - ak- ân - yân xwârd (۱۶-الف)

خورد ضمیر - نشانه جمع - معرفه - سیب آنها

«آنها سیبها را خوردند»

sew-ak-an xor- râ- n (۱۶-ب)

شناسه جمع - مجهول ساز - ریشه فعل نشانه جمع - معرفه

سیب

«سیبها خورده شدند.»

sew- ak - ân da- xor - re - n (۱۶-ج)

شناسه جمع - مجهول ساز - ریشه فعل - پیشوند نشانه جمع - معرفه -

سیب

«سیبها خورده می شوند»

ه) ایلامی:

awân sef - eil- a xwârd- en (۱۷-الف)

شناسه جمع - ریشه فعل - پیشوند - معرفه - نشانه جمع - سیب

آنها

« آنها سیبها را خوردند »

sef- eil- a xor- yâ-n (۱۷-ب)

شناسه جمع - مجهول ساز - ریشه فعل نشانه جمع - معرفه -

سیب

« سیبها خورده شدند. »

sef- eil- a a- xor - ya -n (۱۷-ج)

شناسه جمع - مجهول ساز - ریشه فعل - پیشوند معرفه - شناسه - سیب

« سیبها خورده می شوند. »

همان طوری که دیده می شود در همه مثالها در (۱۳-ب تا ۱۷-ب) و از (۱۳-ج تا ۱۷-ج) موضوع درونی (مفعول در جملات معلوم) به جایگاه فاعل ارتقاء یافته است و فاعل جملات معلوم (۱۳-الف تا ۱۷-الف) در شق مجهول آنها مشاهده نمی شود و آوردن آن با حرف اضافه صقیل و نامأنوس است. به عبارت دیگر کرد زبانها از آوردن فاعل معنایی در جملات مجهول دوری می کنند.

۴. منشأ ماده مجهول در کردی و اهمیت آن

در زبانهای ایرانی باستان تکواژه های وابسته ای را به ریشه افعال اضافه می کرده اند و حاصل آنها ماده (ستاک) بوده است و برای صرف افعال در حالات و زمانهای مختلف به ماده ها شناسه های فعلی می افزوهند؛ مثلاً در فارسی باستان تعدادی ماده فعلی مانند ماده ماضی ، ماده آینده، ماده مضارع نقلی، ماده مجهول، ماده واداری، ماده جعلی، ماده آرزویی و ماده تشدید وجود داشته اند و ماده مجهول با افزودن پسوند ماده مجهول ساز -ya- به ریشه افعال معلوم ساخته می شده است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵ : ۱۴۱؛ دبیر مقدم ، ۱۳۶۴ : ۳۳). ماده مجهول ساز ماضی در گویشهای کردی -yâ- و تنها در سورانی râ است و ماده مجهول ساز حال در گویشهای کردی -ya- و فقط در سورانی -re- است. اگر بپذیریم که در تحول ماده ساز مجهول از باستان تا نو، در سورانی مصوت روان /y/ به مصوت روان /r/ تبدیل شده است می توان ادعا کرد که ماده مجهول ساز در همه گویشهای کردی با اندک تغییرات آوایی

بازمانده ماده‌مجهول ساز در زبانهای ایرانی باستان است. حفظ پدیده مجهول سازی باستانی در گویشهای نو کردی حداقل از دو منظر تحول زبان و دستوری شدگی^۱ و استفاده از این پدیده برای روشن شدن ابهام در ماهیت ساخت مجهولی در زبانهای ایرانی نو مانند فارسی دارای اهمیت است (موین^۲، ۱۹۷۴؛ کریمی، ۲۰۰۵؛ جباری، ۱۳۸۲).

در زبان انگلیسی فعل «بودن» (to be) در (۲) یک عنصر دستوری است و جزء نقش دستوری به عنوان یک فعل کمکی نقش دیگری ندارد و به اصلاح کاملاً دستوری^۳ شده است. برنر^۴ (۱۹۷۷): (۲۱۳) اعتقاد دارد که در زبانهای ایرانی میانه غربی هم فرایند نحوی و هم فرایند ساختوازی دخیل هستند. در زبانهای ایرانی باستان ساخت مجهول فقط ساختوازی و با ماده مجهول صورت می گرفته است و در فارسی نو ساخت مجهول فقط نحوی است پس می توان گفت دوره میانه از نظر ساخت مجهول یک دوران گذرا از ساختار ساختوازی به ساختار نحوی است و در این دوران گذار، فعل «شدن» بسوی دستوری شدگی تحول یافته است (۴). در صورتی که در کردی، همان طوری که در بالا مشاهده شد، ماده مجهول ساز باستانی حفظ شده است و ساخت مجهولی ساختوازی باقیمانده است و در این زبان برخلاف انگلیسی و فارسی افعال «بودن» و «شدن» به منظور مجهول سازی دستوری نشده اند. پس می توان این گونه نتیجه گرفت که حذف ماده مجهول، دستور شدگی و تبدیل افعالی مانند «شدن» و «بودن» به فعل کمکی برای صرف ساخت مجهولی را به دنبال دارد و بر عکس حفظ ماده مجهولی مانع دستور شدگی و ایجاد افعال کمکی برای صرف افعال مجهول می شود.

همان طوری که در مقدمه اشاره شد کریمی (۲۰۰۵: ۷۶-۷۴) ادعا می کند جملاتی مانند (۱۸ ب) شکل مجهول (۱۸ الف) نیستند و در فارسی فرایند مجهول سازی وجود ندارد بلکه در (۱۸-ب) همانند (۱۹-ب) «خورده» صفت و «شد» یک فعل همکرد^۵ است.

(۱۸-الف) پرویز سیبها را خورد.

(۱۸-ب) سیبها خورده شدند.

(۱۹-الف) پرویز خانه را خراب کرد.

(۱۹-ب) خانه خراب شد.

1 . Grammaticalization

2 . Moyné

3 . Grammaticalized

4 . Brunner

5 . light verb

یعنی «خورده» در (۱۸-ب) همانند «خراب» در (۱۹-ب) یک صفت است و «شد» هم در (۱۸-ب) و هم در (۱۹-ب) یک فعل همکرد است و در واقع «خورده شد» در (۱۸-ب) نه یک ساخت مجهولی بلکه یک ساخت فعل همکردی است. اکنون که روشن شده است در کردی هم ساختارهای فعل همکردی همانند (۱۹-الف) و (۱۹-ب) و هم به جای ساختارهایی مانند (۱۸) ساختارهای مجهولی ساختارهای سبک و سیاق زبانهای ایرانی باستان وجود دارد یک بررسی تطبیقی بین ساختارهای فعل همکردی در فارسی و کردی و ساختارهایی مانند (۴) که به اعتقاد برخی ساخت مجهولی هستند و ساختارهای فعلی در کردی که در این مقاله به عنوان ساخت مجهول قلمداد گردیدند می تواند به روشن شدن ماهیت مجهول در فارسی کمک کند، ولی این موضوع از حوصله این مقاله خارج است و پژوهشی مستقل را می طلبد.

۵. نتیجه گیری

با بررسی تعدادی جمله از گویشهای کردی رایج در ایران شامل سورانی، کلهری، سنندجی، ایلامی و هورامی و مقایسه آنها با ساختارهای مجهولی در زبانهای مانند انگلیسی و فارسی که دارای ساختارهای مجهولی نحوی هستند مشخص گردید که در کردی ساخت مجهول، ساختارهای است و ساخت مجهول در این زبان با افزودن ماده مجهول ساز به ریشه افعال به دست می آید. ماده مجهول ساز در کردی که بیشتر به صورت -yâ- و -ya- مشاهده گردید و بازمانده ماده مجهول ساز -ya- در زبانهای ایرانی باستان است که برای تشکیل ماده مجهول و مصدر مجهول به ریشه فعل افزوده می شود. مجهول سازی در کردی هم از نظر آوایی و هم از نظر فرآیند مجهول سازی که در آن ماده مجهول سازی برای تشکیل ماده مجهول حال و گذشته و مصدر مجهولی به ریشه فعل اضافه می شود بسیار شبیه مجهول سازی در زبانهای ایرانی باستان است. پدیده مجهول سازی در کردی می تواند هم در تحول زبان و مسائل تاریخی و تطبیقی زبانهای ایرانی و هم برای روشن شدن ماهیت مجهول در زبانهای ایرانی نو، میانه و باستان مورد استفاده محققین و زبانشناسان علاقه مند به زبانهای ایرانی قرار گیرد.

کتابنامه

۱. ابوالقاسمی، محسن؛ دستور تاریخی زبان فارسی؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۵.
 ۲. انوری، حسن / احمدی گیوی؛ دستور زبان فارسی؛ تهران: انتشارات فاطمی، ۱۳۸۴.
 ۳. جباری، محمدجعفر؛ «تفاوت مجهول در زبانهای فارسی و انگلیسی»؛ مجله زبانشناسی، سال هیجدهم، ۱۳۸۲، شماره اول، صص ۷۸-۹۳.
 ۴. دبیر مقدم، محمد؛ زبانشناسی نظری؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
 ۵. _____؛ «مجهول در زبان فارسی»؛ مجله زبانشناسی، سال دوم، شماره اول، ۱۳۶۴، صص ۴۶ - ۳۱.
 ۶. روبینز، آراچ؛ تاریخ مختصر زبانشناسی؛ مترجم محمد علی حق شناس، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۲.
- :
7. Aronof, M. and Fudeman, K, *What is morphology?*, Blackwell publishing. Oxford, 2005.
 8. Bruuner, J. C. *Syntax of Middle Iranian*. Caravan Books. New York, 1997.
 9. Hageman, L. *Introduction to Government and Binding Theory*. Blackwell publisher. Oxford, 1992.
 10. Haspelmath, M. *Understanding Morphology*. Oxford University Press. Oxford, 2002.
 11. Karimi, S. A Minimalist Approach to Scrambling. Mouton De Gruyter, 2005.
 12. Moynes, J. "The so called passive in Persian". *Foundation of Language* 12: 249-267. 1974.
 13. Radford, A. *Minimalist Syntax*. Cambridge university press, 2004.
 14. Sampson, G. *Schools of Linguistics*. an Imprint of the Hutchinson publishing group. 1980.
 15. Tallerman, M.. *Understanding Syntax*. Oxford University Press, Oxford 1998.